

## تعهد نامه

اینجانب احسان زاهدی دانشجوی دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده پایان‌نامه‌ی تطبیق شخصیت‌ها و حوادث تاریخ بیهقی با شعر دربار غزنوی تحت راهنمایی خانم دکتر زهرا اختیاری متعهد می‌شوم:

- \* تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- \* در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- \* مطالب مندرج در پایان نامه تا کنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک با امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- \* کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام «دانشگاه فردوسی مشهد» و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- \* حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تاثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- \* در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (با بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- \* در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

### تاریخ

امضای دانشجو

### مالکیت نتایج و حق نشر

- \* کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب بایلا به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- \* استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

\* متن این صفحه نیز باید در ابتدای نسخه‌های تکثیر شده وجود داشته باشد.



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

دکتر علی شریعتی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

تطبیق شخصیت‌ها و حوادث تاریخ بیهقی با شعر دربار غزنوی

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر زهرا اختیاری

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر محمدجعفر یاحقی

نگارش :

احسان زاهدی

خرداد ۱۳۸۸



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

### مدیریت تمصیلات تکمیلی

### فرم چکیده پایان نامه به (زبان فارسی)

نام خانوادگی دانشجو: زاهدی	نام: احسان
استاد(ان)راهنما: دکتر زهرا اختیاری	استاد(ان) مشاور: دکتر محمدجعفر یاحقی
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی رشته‌ی: زبان و ادبیات فارسی	گرایش: مقطع: کارشناسی ارشد
تاریخ دفاع: ۱۳۸۸/۴/۹	تعداد صفحات: ۲۲۷
عنوان پایان نامه: تطبیق شخصیت‌ها و حوادث تاریخ بیهقی با شعر دربار غزنوی	
کلید واژه‌ها: تطبیق، شخصیت‌ها، حوادث تاریخی، تاریخ بیهقی، دیوان‌های (عنصری، فرخی، منوچهری)	

#### چکیده: (حداکثر ده سطر تایپی)

هدف پژوهش: نشان دادن نقش شاعران در معرفی اشخاص و روشن‌گری حوادث عصر غزنوی. روش تحقیق: تطبیق و مقایسه‌ی شخصیت‌ها و حوادث مشترک تاریخ بیهقی با دیوان‌های (فرخی، عنصری و منوچهری). در فصل اول این رساله به تحلیل صفات بیست و سه تن از شخصیت‌های مشترک تاریخ بیهقی با ممدوحان شاعران پرداخته شده است. حوادث نظامی و مسائل تاریخی عصر محمود و مسعود غزنوی در فصل دوم، سیاست دربار غزنوی و کشمکش‌های سیاسی آنان در فصل سوم، اشرافیت و فرهنگ دربار سلاطین غزنوی و انعکاس آن در شعر و نثر در فصل چهارم و در پایان بازتاب مسائل اجتماعی در این آثار نشان داده شده است.

نویافته‌های این تحقیق آن است که به دلیل پیوند زندگی شاعران با سلاطین و درباریان، آنان در لابه‌لای اشعار خود به ویژگی‌های ممدوحان و اطلاعات دقیق تاریخی اشاره کرده‌اند که در تاریخ بیهقی و دیگر کتاب‌های تاریخی ذکر نشده است. این اطلاعات برای شناخت ویژگی‌های شخصیت‌ها و حوادث تاریخ بیهقی جنبه‌ی تکمیلی دارد و به محقق تاریخ بیهقی و تاریخ عصر غزنوی کمک فراوانی می‌نماید.



FERDOWSI UNIVERSITY OF MASHHAD  
Dr. Ali Shariati FACULTY OF LETTERS AND HUMANITIES

## Abstract of Thesis Graduate Studies

**Student's Name:** Ehsan

**Student's Surname:** Zahedi

**Supervisor(s):** Dr. Zahra Ekhtiari

**Reader(s):** Dr. Mohammad Jafar Yahaghi

Faculty of Letters and Humanities Dr. ali shariati **Dept:**

**Grade:** M.A

**Specialization: Orientation:**

**Viva Date:** 1388/4/9

**Pages:** 227

**Thesis Title:** Conformation of characters and events of Beihaghi history with poems of Ghaznavid court

**Keywords:** Beihaghi history, Conformation, Characters, Historical events, , Poems (Onsori, Farokhi, Manuchehri)

### Abstract

**Purpose of study:** to show poet's role in presenting persons and to clarify Ghaznavid events

**Methodology:** conforming and comparing characters and common events of Beihaghi with poems of Farokhi, Onsori and Manuchehri.

In the first section of the present thesis, characters of 23 persons of common characters of Beihaghi history along with praised poets were analyzed. Military events and historical issues of Mahmood and Masoud Ghaznavid times and their political struggles are presented in chapter three, aristocraticness and culture of court of ghaznavid kings and its reflection in poem and prose are presented in section four and finally reflection of social issues in these works are presented.

Findings of the research show that due to poets' life is linked with kings and courtiers; they pointed out characteristics of praised and correct historical information in their poems which had not been noted in Beihaghi history and other historical books. The information complements recognition of person's characteristics and events of Beihaghi history and contributes to the researchers of Beihaghi history.

## فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
مقدمه و نقد و بررسی منابع.....	۱۱-۲۳
(۱) علت مطرح شدن موضوع.....	۱۱
(۲) پیشینه‌ی تحقیق، فرضیه و روش پژوهش.....	۱۲
(۳) نقد و بررسی منابع.....	۱۴
الف) تاریخ بیهقی.....	۱۴
ب) دیوان اشعار.....	۱۵
ب-۱) دیوان فرخی.....	۱۶
ب-۲) دیوان عنصری.....	۱۸
ب-۳) دیوان منوچهری.....	۱۸
ب-۴) دیوان عسجدی.....	۱۹
ج) تطبیق تاریخ بیهقی با دیوان‌های شعر.....	۲۰
<b>فصل اول: تطبیق شخصیت‌های شعر با نثر</b> .....	۲۴
۱-۱) آلتوتناش، وفاداری عدول‌ناپذیر.....	۲۶-۲۹
۲-۱) ابوالعباس اسفراینی، وزیری ایران‌دوست.....	۳۰-۳۳
۳-۱) ابوالقاسم کثیر، عارض سپاه محمود.....	۳۳-۳۶
۴-۱) ابوالمظفر علی میکائیل، رئیس‌الرؤسا.....	۳۶-۳۸
۵-۱) احمدبن حسن میمندی، مدبری انتقام‌جو.....	۳۸-۴۸
۶-۱) احمد عبدالصمد، نمونه‌ی وزرای آرمانی.....	۴۸-۵۴
۷-۱) ابوبکر حصیری، فقیه شافعی.....	۵۴-۵۷
۸-۱) ابوبکر قهستانی.....	۵۷-۵۹

- ۹-۱) ایاز اویماق، دل‌برده‌ی محمود..... ۶۰-۶۲
- ۱۰-۱) بوسهل حمدوی، شیخ‌العمید..... ۶۲-۶۵
- ۱۱-۱) بوسهل زوزنی، ادیبی توطئه‌گر..... ۶۵-۷۲
- ۱۲-۱) بوسهل لکشن، کدخدای امیریوسف..... ۷۲-۷۳
- ۱۳-۱) بونصر مشکان، امام روزگار در نویسندگی..... ۷۳-۷۷
- ۱۴-۱) حسنگ وزیر، از خاندانی محتشم..... ۷۷-۸۶
- ۱۵-۱) خلف معتمد، معروف به ربیع..... ۸۷
- ۱۶-۱) عبدالرزاق میمندی، وزیرزاده‌ی دربار مسعود..... ۸۸-۸۹
- ۱۷-۷) طاهر دبیر، مردی مغرور..... ۹۰-۹۳
- ۱۸-۱) طغرل‌العضدی، غلامی احمق..... ۹۳-۹۴
- ۱۹-۱) محمدبن محمود، پادشاهی نافرجام..... ۹۴-۱۰۰
- (برای اطلاع از صفات دیگر به صص. ۱۷۷، ۱۹۸ و ۲۱۸ مراجعه نمایید).
- ۲۰-۱) محمودبن سبکتگین، سلطانی دوراندیش..... ۱۰۰-۱۱۰
- (برای اطلاع از ویژگی‌های دیگر محمود به صص. ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۸، ۲۰۶ و ۲۱۶ مراجعه کنید).
- ۲۲-۱) مسعودبن محمود، خودکامه‌ای عشرت‌طلب..... ۱۱۰-۱۲۳
- (برای آگاهی از صفات دیگر مسعود به صص. ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۶ و ۲۱۷ مراجعه کنید).
- ۲۲-۱) نصربن سبکتگین، امیری فرهنگ‌دوست..... ۱۲۴-۱۲۷
- ۲۳-۱) یوسف بن سبکتگین، مردی بی‌مشغله..... ۱۲۷-۱۳۱
- فصل دوم: مسائل و حوادث تاریخی**..... ۱۳۲-۱۷۰
- ۱-۲) جنگ مرو و امارت خراسان..... ۱۳۳-۱۳۴
- ۱-۱-۲) اهداف جنگ..... ۱۳۳
- ۲-۱-۲) لشکر کشی محمود و وحشت بگتوزون..... ۱۳۳
- ۳-۱-۲) وصف لشکر مرو..... ۱۳۴
- ۴-۱-۲) شکست بگتوزون و امارت خراسان..... ۱۳۴
- ۲-۲) روابط سلطان محمود با آل‌افراسیاب..... ۱۳۵-۱۴۱

- ۱۳۶..... (۱-۲-۲) تیرگی ارتباط سلطان با خانیان.....
- ۱۳۷..... (۲-۲-۲) جنگ دشت کتر و وصف سپاه دشمن.....
- ۱۳۷..... (۳-۲-۲) پیروزی سلطان محمود.....
- ۱۳۸..... (۴-۲-۲) اختلاف بین خانیان و پایمردی سلطان.....
- ۱۳۹..... (۵-۲-۲) دیدار سلطان با قدرخان و نتایج آن.....
- ۱۴۱..... (۶-۲-۲) ارتباط مسعود با آل افراسیاب.....
- ۱۴۲-۱۴۵..... (۳-۲) **اهمیت پل بستن بر جیحون در عصر غزنوی**.....
- ۱۴۲..... (۱-۳-۲) پل بستن بر جیحون در عصر محمود.....
- ۱۴۳..... (۲-۳-۲) متواری شدن علی تگین.....
- ۱۴۳..... (۳-۳-۲) اقدام مسعود برای بستن پل بر جیحون.....
- ۱۴۴..... (۴-۳-۲) فرار بوری تگین.....
- ۱۴۵..... (۵-۳-۲) تطبیق بستن پل در دو زمان.....
- ۱۴۶-۱۵۱..... (۴-۲) **فتح خوارزم**.....
- ۱۴۶..... (۱-۴-۲) دوستی ابوالعباس خوارزمشاه با محمود.....
- ۱۴۷..... (۲-۴-۲) بدگمانی سلطان به ابوالعباس خوارزمشاه.....
- ۱۴۷..... (۳-۴-۲) شورش سپاه خوارزم و کشته شدن خوارزمشاه.....
- ۱۴۸..... (۴-۴-۲) تدارک محمود برای حمله به خوارزم.....
- ۱۴۹..... (۵-۴-۲) شرایط محمود برای پذیرش صلح.....
- ۱۴۹..... (۶-۴-۲) سیاست حمله به خوارزم.....
- ۱۵۰..... (۷-۴-۲) وصف لشکر خوارزم.....
- ۱۵۰..... (۸-۴-۲) لشکر آرایی سلطان.....
- ۱۵۱..... (۹-۴-۲) پیروزی سلطان و وصف غنایم و اسرای جنگی.....
- ۱۵۲-۱۵۶..... (۵-۲) **فتح ری**.....
- ۱۵۳..... (۱-۵-۲) اهداف لشکرکشی به ری.....
- ۱۵۴..... (۲-۵-۲) سپاه محمود در ری و دستگیری مجدالدوله.....

- ۳-۵-۲) کارهای محمود در ری..... ۱۵۵
- ۴-۵-۲) شراره‌های آتش در کتاب‌خانه‌ی ری..... ۱۵۶
- ۶-۲) مسعود در سرجاهان و سپاهان..... ۱۵۶-۱۵۸
- ۱-۶-۲) وصف سپاهیان عراق و پیروزی مسعود..... ۱۵۷
- ۲-۶-۲) مسعود در سپاهان..... ۱۵۸
- ۷-۲) روابط غزنویان با آل زیار و لشکرکشی مسعود به گرگان و طبرستان... ۱۵۹-۱۶۱
- ۱-۷-۲) دلایل لشکرکشی..... ۱۵۹
- ۲-۷-۲) گریختن گرگانیان..... ۱۶۰
- ۳-۷-۲) پیروزی سلطان مسعود و کارهای وی در آمل..... ۱۶۰
- ۸-۲) ترکمانان در عصر غزنوی..... ۱۶۱
- ۱-۸-۲) ترکمانان در عصر محمود..... ۱۶۹-۱۷۰
- ۲-۸-۲) ترکمانان در عصر مسعود..... ۱۶۲
- ۳-۸-۲) ترکمانان سلجوقی در خراسان..... ۱۶۳
- ۴-۸-۲) شکست بگتغدی و سباشی..... ۱۶۵
- ۵-۸-۲) سلطان مسعود در بلخ..... ۱۶۶
- ۶-۸-۲) نبرد علی‌آباد..... ۱۶۷
- ۷-۸-۲) جنگ مسعود با سلجوقیان در بیابان سرخس..... ۱۶۷
- ۸-۸-۲) تهیّت فتح..... ۱۶۹
- ۹-۸-۲) نبرد دندانقان و پایان حکومت غزنویان در خراسان..... ۱۶۹
- فصل سوم: سیاست‌های دربار غزنه..... ۱۷۱-۱۸۷**
- ۱-۳) سیاست مذهبی..... ۱۷۱-۱۷۸
- ۱-۱-۳) روابط محمود با خلیفه‌ی عبّاسی..... ۱۷۱
- ۲-۱-۳) تأثیر سیاست مذهبی بر شعر و نثر..... ۱۷۲
- ۳-۱-۳) تیرگی روابط و تصمیم محمود برای لشکرکشی به بغداد..... ۱۷۴



۱۷۶.....	۳-۱-۴) ادامه‌ی سیاست‌های مذهبی در عصر مسعود.....
۱۷۸-۱۸۳.....	۳-۲) دربار غزنه کانون کشمکش‌های سیاسی.....
۱۷۸.....	۳-۲-۱) ولیعهدی امیر محمود در شعر و نثر.....
۱۷۹.....	۳-۲-۲) ولیعهدی امیر مسعود در شعر و نثر.....
۱۸۰.....	۳-۲-۳) عنایت‌های سلطان محمود به امیر محمد.....
۱۸۱.....	۳-۲-۴) شمه‌ای از بروز اختلاف سلطان محمود و مسعود در ری.....
۱۸۲.....	۳-۲-۵) بازگشت مسعود از عراق و واکنش درباریان.....
۱۸۳-۱۸۷.....	۳-۳) کینه‌جویی سلطان مسعود از پدربیان و واکنش شاعران.....
۱۸۸-۲۰۷.....	فصل چهارم) زندگی و فرهنگ درباری.....
۱۸۸.....	۴-۱) توصیف باغ‌ها و کاخ‌ها.....
۱۸۸.....	۴-۱-۱) کوشک نو.....
۱۹۰.....	۴-۱-۲) دشت شابهار.....
۱۹۲.....	۴-۱-۳) باغ بزرگ بلخ.....
۱۹۳.....	۴-۱-۴) کوشک دشت لکان.....
۱۹۵.....	۴-۲) تاج‌گذاری مسعود.....
۱۹۵.....	۴-۲-۱) وصف تخت و تاج.....
۱۹۷-۲۰۱.....	۴-۳) شادکامی‌های سلاطین غزنوی.....
۱۹۷.....	۴-۳-۱) خمربه سرایی در عصر غزنوی.....
۱۹۸.....	۴-۳-۲) مجالس عیش سلطان محمود.....
۱۹۹.....	۴-۳-۳) مسعود در محفل نشاط.....
۲۰۱.....	۴-۳-۴) محفل شراب امیر محمد.....
۲۰۱.....	۴-۳-۵) شکار شاهان.....
۲۰۴.....	۴-۳-۵) نشاط و شکار در تصمیم‌گیری سیاسی.....
۲۰۴-۲۰۷.....	۴-۴) بخشندگی و سخاوت امیران.....

۲۰۴.....	۱-۴-۴) نثار غنایم و بخشش مالیات.....
۲۰۵.....	۲-۴-۴) بخشش به مستحقان و بخشش‌های سیاسی.....
۲۰۶.....	۳-۴-۴) بخشش امیران در دیوان‌ها.....
۲۰۸-۲۱۹.....	<b>فصل پنجم: مسائل اجتماعی.....</b>
۲۰۸-۲۱۲.....	۱-۵) آداب و رسوم ایرانی در عصر غزنوی.....
۲۰۹.....	۱-۱-۵) جشن نوروز.....
۲۱۰.....	۲-۱-۵) جشن سده.....
۲۱۱.....	۳-۱-۵) جشن مهرگان.....
۲۱۲-۲۱۵.....	۲-۵) اعیاد مذهبی.....
۲۱۲.....	۱-۲-۵) عید فطر.....
۲۱۴.....	۲-۲-۵) عید قربان.....
۲۱۵-۲۱۹.....	۳-۵) غزنویان و مردم.....
۲۱۵.....	۱-۳-۵) جایگاه مردم در حکومت محمود.....
۲۱۶.....	۲-۳-۵) مسعود غزنوی و مردم.....
۲۱۷.....	۳-۳-۵) ظلم‌های مسعود در گرفتن خراج.....
۲۱۸.....	۴-۳-۵) مردم‌داری امیر محمد.....
۲۲۰.....	نتیجه‌گیری.....
۲۲۲.....	<b>فهرست مآخذ.....</b>

## مقدمه، معرفی و نقد منابع

آثار علمی و ادبی گذشته با دقتی فوق‌العاده و با توجه به اصول ویژه‌ی روزگار خود نوشته شده‌اند، اگر با کمی دقت به آثار منثور سبک خراسانی بنگریم، پی‌می‌بریم که زبان فارسی در آن دوره چه پدیده‌ی شگرفی بوده است و نویسندگان ما در آن روزگاران چگونه به نوشتن می‌پرداختند.

یکی از این دوره‌های درخشان علمی و ادبی، عصر غزنوی است، در این عصر آثار ارزنده و مهمی از شعر و نثر وجود داشته است که در طول زمان و بر اثر حوادث طبیعی و کشاکش‌های تاریخی و سیاسی از بین رفته‌اند؛ اما این موضوع نباید از ارزش و اهمیت منابع به‌جای مانده بکاهد، مسلم است که منابع و آثار محدود دسته‌ی اول، اوضاع عصر غزنوی را صددرصد منعکس نمی‌کند، مگر این‌که با تحقیق و موشکافی آثار این دوره و تطبیق مسائل و حوادث ذکر شده در پی آن باشیم که به نکته‌های باریک و ظریفی دست پیدا کنیم تا ما را در شناخت اشخاص تاریخ، مسائل و حوادث این عصر یاری نماید.

### علت مطرح شدن موضوع این پایان نامه

انس و الفت نگارنده به تاریخ بیهقی و ادبیات عصر غزنوی انگیزه‌ای شد تا در تصحیح جدید تاریخ بیهقی به توفیق حضور در خدمت استاد بزرگوار دکتر محمد جعفر یاحقی نائل آیم. در یکی از این جلسات بعضی از حوادث تاریخ بیهقی با دیوان منوچهری تطبیق داده شد، و دریافتیم که برخی از اشعار منوچهری با روایت‌های بیهقی کاملاً منطبق نیستند. همین موضوع ما را برانگیخت تا برای رسیدن به اطلاعات بکر در روشنگری اوضاع ایران عصر غزنوی به منابع دسته اول و ناب ادب آن روزگار توجه بیشتری کنیم.

عنایات روزافزون دانشمندان و فضلا و اهل قلم دانشکده‌ی ادبیات به تاریخ بیهقی و ادبیات عصر غزنوی و توجه نگارنده‌ی این سطور به این نکته، همچنین تشویق استاد یاحقی انگیزه‌ای شد تا نگارنده با بضاعت اندک خود جسارت نماید و این موضوع را برای پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد خود برگزیند و امید دارم با عنایت خداوند و راهنمایی استادان بزرگوار به این توفیق دست یابم.

## پیشینه‌ی تحقیق

از بین کتاب‌ها و مقاله‌های محققین معاصر و پایان‌نامه‌های دوره‌های مختلف تحصیلی، تحقیقی به این سبک و روش صورت نگرفته‌است، تنها دانشمند فقید دکتر یوسفی برای معرفی دیوان فرّخی، شناساندن کلام او و شرح احوال و روزگار وی، در کتاب فرّخی سیستانی مسائلی را تبیین کرده‌است، همچنین استاد فلسفی در مقاله‌ی «فتح سومنات» در گزارش خود به قصاید فرّخی هم توجهی داشته‌اند که این دو اثر در این نگارش همانند چراغی راه‌گشای نگارنده بوده‌اند.

## فرضیه‌ها

- ۱- آیا می‌توان با مقایسه‌ی شعر شاعران عصرغزنوی با تاریخ بیهقی به ویژگی‌های دیگری از رفتارها و منش شخصیت‌های تاریخ بیهقی پی‌برد؟
- ۲- آیا در شعر شاعران این دوره جزئیات و اطلاعاتی از حوادث تاریخی عصر غزنویان وجود دارد که به روشن‌تر شدن یا تکمیل بعضی از وقایع و حوادث تاریخ بیهقی کمک نماید؟
- ۳- آیا می‌توان با تطبیق شعر این دوره با روایت‌های بیهقی صحت ادعاهای شاعران معاصر بیهقی را ثابت کرد؟

## روش پژوهش

مبنای اصلی این تحقیق تاریخ بیهقی است، یعنی در این تحقیق ویژگی‌های اشخاص و وقایع و حوادثی بررسی شده‌است که در تاریخ بیهقی و دیوان‌ها مشترک بوده‌است. ما می‌دانیم که بیهقی تلاش کرده‌است حوادث و وقایع عصر مسعود غزنوی را دقیق‌تر از دیگر مورخان روایت کند، و این ویژگی او به نثر روایتی اثرش شکل و شیوه‌ای خاص داده‌است و شاهکاری ادبی را به وجود آورده‌است که همیشه پایدار باقی خواهد ماند.

ما در پی تحقیق در وقایع تاریخی این دوره، تلاش می‌کنیم تا نشان دهیم که شاعران و نویسندگان معاصر ابوالفضل بیهقی در بیان ویژگی‌های اشخاص تاریخی و روایت حوادث و مسائل آن عصر تا چه حد توفیق داشته‌اند و نقش آن‌ها در روشن‌گری اوضاع زمان چه اندازه، و شیوه‌ی آن‌ها در بیان این مسائل چگونه بوده‌است. دیگر این‌که با تطبیق اشعار دیوان‌های این عصر با تاریخ بیهقی تا حدی به صداقت و صحت سخن شاعران در بیان اوضاع زمان پی خواهیم برد.

روش ما در این تحقیق نظری و کتابخانه‌ای است و شیوه‌ی گردآوری مطالب یادداشت‌برداری از منابع اصلی و کمکی است. و تحلیل مطالب تطبیقی و مقایسه‌ای خواهد بود.

مشکل اصلی این تحقیق رسیدن به مسائل و حوادث مشترک بین تاریخ بیهقی و دیوان شعرا بوده‌است، همچنین ذکر پراکنده‌ی حادثه‌ها و خصال اشخاص و حجم وسیع روایت‌های شاعران در مدح سلاطین و ممدوحان بر این مشکل می‌افزود. گاهی ذکر کوتاه حوادث در دیوان‌های این عصر، نگارنده را مجبور می‌کرد تا برای رسیدن به نقطه‌ی مشترک وقایع و رویدادها چندین صفحه از تاریخ بیهقی را خلاصه نماید.

مشکل دیگر ارائه‌ی بیش از حد منابع و مستندات این نوشته است و دلیل اصلی آن است که از بررسی ویژگی‌های اشخاص و وقایع تاریخ بر اساس پندارهای شخصی پرهیز شده‌است. و اگر گاهی دریافت‌هایی از معاصرین مطرح شده، سعی کردم سخنان این محققین را با اخباری از منابع مورد بحث تطبیق داده و مستند نمایم.

می‌دانیم که شخصیت‌ها پیش‌برنده‌ی وقایع، ماجراها و حوادث داستان‌ها و حکایت‌های تاریخی هستند و شناخت آن‌ها به فهم بهتر این حوادث منجر می‌شود. در فصل اول این نوشته کوشش کردم در نهایت بی‌طرفی خصلت‌های پسندیده و ناپسند اشخاص تاریخ را بیان نمایم و برای پرهیز از گفتار بی‌برهان، در نسبت هر نوع صفتی به گزارش ابوالفضل بیهقی یا شاعران معاصر وی استناد کنم. یادآور می‌شوم برای دستیابی آسان به اطلاعات این فصل، تنظیم مطالب براساس نام اشخاص به شیوه‌ی الفبایی صورت گرفته‌است.

فصل دوم این تحقیق شامل حوادث و رویدادهای تاریخی عصر غزنوی است. این رویدادها شامل اقدامات نظامی، جنگ‌ها و دیدارهای بین حاکمان غزنوی و دیگر حکومت‌های مستقل و غیر مستقل است. این فصل بیشتر جنبه‌ی تاریخی دارد و حوادثی از دوران محمود در این فصل بررسی شده‌است که در تاریخ بیهقی یا کاملاً بیان شده و یا به صورت خلاصه آمده‌است. بنابراین در تکمیل و تبیین این حوادث به دیگر آثار و منابع عصر غزنوی مثل تاریخ گردیزی و ترجمه‌ی تاریخ یمینی نیز مراجعه شده‌است.

مسائل مذهبی و ارتباط با بغداد، اختلافات سیاسی درباریان، همچنین توطئه‌ها و تضریب‌های آنان برای رسیدن به قدرت، نکاتی است که در شعر و نثر این عصر مطرح شده‌است. به همین

دلیل تلاش شده‌است با طرح این مسائل واکنش نویسندگان و شاعران در برابر این وقایع در فصل سوم نشان داده‌شود.

توجه پادشاهان غزنوی به تجمل‌گرایی و اشرافیت، ساختن بناهای مجلل، توجه بیش از حد آنان به شراب و نشاط و سرگرمی مواردی است که در شعر و نثر این دوره ابیات زیادی را در دیوان‌ها به خود اختصاص داده است بنابراین ما تلاش کرده‌ایم با بررسی این مسائل در فصل چهارم در روشنگری اوضاع ایران عصر غزنوی قدمی برداریم.

تحلیل مسائل اجتماعی عصر غزنوی در شعر و نثر این دوره در فصل پنجم انجام شده‌است، بدیهی است که وقایع و اوضاع اجتماعی عصر در شعر و نثر شاعران و نویسندگان تأثیر فراوان می‌گذارد و آنان را برمی‌انگیزد تا این مسایل را در آثارشان منعکس کنند. مراسمی چون اعیاد ایرانی و اسلامی، آیین‌های سوگواری، بارعام و تظلم‌خواهی، قصاید و اشعار زیادی را به خود اختصاص داده‌است، به دلیل همین حجم وسیع شعر در دیوان‌ها ما تلاش کردیم تا این مباحث را با تاریخ بیهقی مقایسه نماییم.

## نقد و بررسی منابع

### الف) تاریخ بیهقی

از مهم‌ترین آثار به‌جای مانده از عصر غزنوی، شاهکار ادبی - تاریخی ابوالفضل بیهقی است. بیهقی با واقع‌نگری و توانایی فوق‌العاده‌ی خود در نویسندگی به اثر گرانسنگ خود، شکل و ساختاری مخصوص داده‌است که در نوع تاریخ‌نگاری بی‌مانند است. این کتاب در بین آثار کلاسیک فارسی از جمله‌ی آثاری است که از نظر ادبی، معنوی و هنری به همراه آثاری چون شاهنامه، سفرنامه، قابوس‌نامه و ... سنگ بنای ادب و فرهنگ فارسی را گذاشته است.

این کتاب دانش وسیعی از اوضاع عصر خود را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. بیهقی با خردمندی، صداقت و انصاف بر دیگر مورّخین معاصر خود برتری جسته است و کتاب او در مقابل خشکی تاریخ‌گردیزی و نثر مصنوع و پرتکلف تاریخ‌یمینی از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بیهقی در بیان حوادث یا خود شاهد بسیاری از وقایع عصر بوده، یا حوادث را از فردی موثق نقل کرده‌است بنابراین روایت‌های او بکر و دسته‌اول و مورد اطمینان است.

جدای از صداقت و انصاف بیهقی می‌توان گفت که او در بیان بسیاری از مسائل و حوادث روز با احتیاط عمل می‌کند. مثلاً در بیان ظلم‌های میمندی در عصر محمود به حکایتی از بونصر مشکان بسنده می‌کند و دیگر سخنی نمی‌گوید (بیهقی، ۱۳۸۳: ۳۴۵).

یا در حکایت‌های تاریخ بیهقی برای انتقاد از سلطان وقت سخنانی دوپهلوی و متناقض می‌آورد و در بیشتر اوقات ظلم‌های پادشاه مستبد را به مشاوران نهانی او نسبت می‌دهد (بیهقی، ۱۳۸۳: ۲۶۵) و به حمایت از او برمی‌خیزد. و در موارد بسیار، انتقاد او از صاحبان جاه و مال نرم و ملایم است، برای مثال با آوردن تراژدی حسنگ ابتدا صحنه‌سازی‌ها و مکر امیر غزنوی و اطرافیانش را با آب و تاب فراوان بیان می‌کند ولی سرانجام می‌گوید: «این است حسنگ و روزگارش. و اگر زمین و آب مسلمانان به غضب بستند نه زمین ماند و نه آب» (همان: ۱۹۸). بیهقی در بیان واقعیت‌های عصر از دیپلماسی و سیاست خاص خود بهره می‌گیرد بنابراین فهم و شناخت این سخنان به ورزیدگی ذهن و آشنایی بیشتر با کلام او نیازمند است.

زندگی واقعی امیرمسعود غزنوی ذهن بیهقی را برای خلق شخصیت‌های تاریخی - ادبی تحریک کرده است و شخصیت‌های این رمان تاریخی پایه‌های اصلی آن را تشکیل داده است. بیهقی به ویژگی‌های شخصیتی قریب هفتصدتن در کتاب خود اشاره دارد و در باره‌ی شخصیت آن‌ها بحث می‌کند.

او شخصیت‌های اصلی اثر خود را می‌شناسد و در حدّ ایجاز و مؤثر آن‌ها را به خواننده معرفی می‌کند و از به کارگیری شخصیت‌های قالبی پرهیز می‌کند و نظر او در معرفی اشخاص واقعه آگاهانه و منطقی است. او سعی دارد ویژگی‌های اشخاص را در لابلای حوادث تاریخی اثبات کند و گاهی همراه با نشان دادن خصال اشخاص، بعضی از صفت‌های آنان را برمی‌شمرد، بنابراین کتاب وی از این نظر از همه‌ی آثار تاریخی و ادبی معاصرین او متمایز است.

## ب) دیوان اشعار

دسته‌ی دیگر از منابع مهمّ این عصر، آثار شعری است. بنابر روایت‌های تاریخی، دربار محمود غزنوی مجمع بزرگی از شاعران آن زمان بوده‌است که به نوع خود در تاریخ ادب و فرهنگ ایران بی‌نظیر است، اما متأسفانه از آن دوران درخشان شعر و ادب آثار معدودی چون دیوان‌های عنصری، فرّخی و منوچهری به ما رسیده است و از شاعران بزرگی مانند عسجدی، غضایری رازی

و دیگران ابیات محدود و پراکنده‌ای بر جای مانده است. با این که این آثار انگشت شمارند، اما با تحقیق در اشعار به جای مانده از این سخن‌سرایان و مقایسه‌ی آن‌ها با کتب تاریخی می‌توان به اطلاعات تازه و نتایج جالبی دست یافت.

### ب-۱) دیوان فرّخی

در بین شاعران عصر غزنوی دیوان فرّخی از جهت بررسی ویژگی اشخاص و حوادث تاریخی بر اشعار شاعران معاصر او رجحان دارد. در دیوان فرّخی ما با یکی از بهترین و زیباترین جلوه‌های شعر مدحی روبرو هستیم، اگر با دیده‌ی تأمل و دقت به اشعار او بنگریم و ویژگی‌های این افراد را با گزارش‌های تاریخ بیهقی مقایسه کنیم، به زیبایی‌ها و نکته‌های شگفت‌انگیز تاریخی و خصوصیت فردی و روحی اشخاص تاریخ پی می‌بریم که در شناخت آن‌ها بسیار مفید خواهد بود.

فرّخی بیست و پنج تن از امیران و درباریان را مدح کرده است و صفات ممتاز و حتی جزئیات رفتار آنان را برشمرده است. از این میان نام و صفات پانزده تن در تاریخ بیهقی آمده است.

در دیوان فرّخی علاوه بر ویژگی‌های اشخاص با حوادث تاریخی زیادی مواجه می‌شویم که در فهم اوضاع عصر غزنوی به ما کمک می‌کند. قدیم‌ترین قصیده‌ای که فرّخی در مدح محمود سروده است به جنگ‌های محمود با خانیان در دشت کتر به سال ۳۹۸ ق. مربوط می‌شود (فرّخی، ۱۳۸۵: ۲۶۲)، بنابراین او از این سال‌ها در دربار محمود به شاعری اشتغال داشت و در مدح دلاوری‌های او و بیان حوادث روزگار خویش اشعار فراوانی سرود و مورد توجه سلطان محمود و وابستگان او قرار گرفته است.

فرّخی در ابتدای سلطنت سلطان مسعود یازده قصیده‌ی غراً سرود و در آن به حوادث ابتدای سلطنت مسعود پرداخته است و از خلال مدایحش «چنین استنباط می‌شود که گویی این مدایح فقط برای ادای تکلیفی گفته شده است و یا آن تجلیل صمیمانه درین اشعار نهفته و محسوس نیست» (یوسفی، ۱۳۴۱: ۱۰۰).

دکتر صفا معتقد است که فرّخی تا پایان عمرش در دربار مسعود به شعر و شاعری مشغول بود و «بعد از عزل محمد همچنان در دربار غزنوی باقی ماند» (صفا، ۱۳۶۹: ۵۳۷). اما باید توجه داشت اگرچه او همانند دیگر پدریان، بعد از حبس امیر محمد مورد اقبال مسعود قرار گرفت و از عطایای



او بهره‌مند شد (فرخی، ۱۳۸۵: ۳۹۳) ولی به نظر می‌رسد که بعد از فروگیری خداوندش امیریوسف و ورود مسعود به غزنین از شاعری کناره‌گرفته‌است و به احتمال قوی اموال او را در واقعه‌ی پس‌گرفتن مال صلتی امیرمحمد در رجب سال ۴۲۲ق. غارت کردند، چراکه به مناسبت فرا رسیدن عید فطر در قصیده‌ای در مدح میمندی از او درخواست می‌کند سرمایه‌ای به او بدهد تا برای خود شغلی دست و پا کند و بقیه‌ی عمرش را در آرامش بگذراند.

«ای به تو تازه کریمی و به تو تازه سخا  
 کردمی دایم از آن کس که جز این بود حذر  
 در سرای پسران تو و در خدمت تو  
 پیر گشتم تو بدین موی سیاهم منگر  
 وقت آن است که بنشینم در کوشگکی  
 تا بی‌اندوه به پایان برم این عمر مگر  
 شغلکی سازم بردست که از موقف آن  
 هم مرا ساز سفر باشد و هم ساز حضر  
 بنده را مایگکی ده که همه عمر ترا  
 دولت و بخت معین باد و سپهرت یاور»  
 (فرخی، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

دلیل دیگر این ادعا وجود قصیده‌ای است که فرخی در مدح مسعود سروده‌است و آن مطابق تاریخ بیهقی به جمادی‌الآخر سال ۴۲۲ق. مربوط می‌شود که با ورود امیر به غزنین لشکری و رعیت به عدل و انصاف امیر امیدوار بودند (همان: ۱۴۳) ولی دیری نگذشت که با پس‌گرفتن مال صلتی «همه دل‌ها را سرد کردند» (بیهقی، ۱۳۸۵: ۲۶۴).

نکته‌ی قابل توجه در دیوان فرخی وجود اشعاری است که نشانه‌ی تناقض‌گویی او در مدح ممدوحان است. او به مقتضای زمان شعر می‌سرود، چنان‌که در مدح حسنک وزیر از احمد میمندی انتقاد کرده‌است و بعد از حبس شش‌ساله‌ی میمندی و وزارت دوباره‌ی او، دوران وزارت حسنک را به باد انتقاد گرفته‌است یا در روزگار پادشاهی مسعود، به حکومت کوتاه امیرمحمد با تعریض و اشارات تند انتقاد کرده‌است. و این نکته گاهی اطلاعاتی را در اختیار خواننده‌ی دیوانش قرار می‌دهد.

## ب - ۲) دیوان عنصری

بعد از فرخی دیوان حکیم عنصری از این نظر در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارد، با توجه به این که او ملک‌الشعرا دربار سلطان محمود بود و در مجلسش منصب ندیمی داشت، با این همه

«در مدح میانه‌روی را کمتر از دست می‌دهد و شهادت و علو همت خود را محفوظ می‌دارد و از تملق بی‌اندازه پرهیز می‌کند» (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۱۱۲).

در دیوان عنصری، چهل قصیده در شرح دلاوری‌های امیر محمود، بیست و یک قصیده در مدح امیر نصر، دو قصیده در ستایش امیر مسعود، یک قصیده در مدح امیر یوسف، دو قصیده در مدح میمندی و یک قصیده در ستایش دلاوری‌های محمد طایی، سردار سلطان محمود، وجود دارد. بنابراین دیوان عنصری بیشتر می‌تواند در بررسی مسائل و حوادث عصر محمود ما را یاری دهد. از دو قصیده‌ای که او در مدح مسعود سرود اطلاعات چندان تاریخی به دست نمی‌آید، او ظاهراً از مسعود به دلیل پیری عذرخواهی می‌کند و می‌گوید:

«شد روزگار بنده‌ی او زان که ننگرد  
از روزگار جز به خداوند روزگار»

(عنصری، ۱۳۶۳: ۱۵۵)

اگرچه از عنصری اشعار زیادی در راستای مدح مسعود به ما نرسیده است اما وجود نام و یاد او در تاریخ بیهقی، و قصیده‌ی بلند ۷۵ بیتی منوچهری در مدح او، مؤید آن است که عنصری همچنان مورد توجه امیر مسعود و درباریان او بوده است.

### ب - ۳) دیوان منوچهری

منوچهری دامغانی سومین شاعری است که در دیوانش به مدح مسعود غزنوی رغبت نشان می‌دهد. اهمیت دیوان منوچهری به آن دلیل است که وی با امیر مسعود معاصر بود و بیشترین اشعارش در باره‌ی ویژگی‌های سلطان جوان غزنوی و حوادث دوران حکومت اوست. او در این قصاید علاوه بر مداخله به جزئیات زندگی، شادخواری‌ها، وصف اعیاد، جنگ‌ها و گرفتاری‌های پادشاه غزنوی از سوی ترکمانان اشاره می‌کند.

در دیوان منوچهری قریب بیست تن از امرای عصر ستایش شده‌اند. غیر از امیر مسعود، احمد عبدالصمد، بوسهل زوزنی، ابوالقاسم کثیر، طاهر دبیر، خواجه خلف و محمد بن نصر با اشخاصی مواجه می‌شویم که نامشان در تاریخ بیهقی نیامده است و نزد محققین شناخته نشدند و منوچهری نیز در معرفی آن‌ها سخن واضحی نگفته است. افرادی چون خواجه فضل بن محمد حسینی، علی بن محمد، ابوالعباس، خواجه محمد، ابو حرب بختیار، ملک محمد قصری، ابوالحسن علی بن موسی، علی بن عمران، حارث منصور امیر جیلان و ابوالحسن عمرانی از این گروه هستند.

قدیم‌ترین اشعاری که در دیوان منوچهری در باره‌ی بزرگان حکومت مسعود وجود دارد در مدح طاهر دبیر سروده شده است. گویی او طاهر دبیر را در ری مدح کرده است و در همین ایام به دربار مسعود فراخوانده شده است، منوچهری در این باره می‌گوید:

«خواست از ری خسرو ایران مرا بر سفت پیل خود ز تو هرگز نیندیشد در چندین سنین»

(منوچهری، ۱۳۸۵: ۹۱)

دکتر صفا به تصریح شعری از دیوان منوچهری معتقدند که او هنگام لشکرکشی مسعود به گرگان و طبرستان به دربار مسعود راه یافته است (صفا، ۱۳۶۹: ۵۸۳)، در هر حال این امری مسلم است که او قبل از این زمان با دربار مسعود ارتباط داشته است.

«دانی که من مقیمم بر درگه شهنشه تا بازگشت سلطان از لاله‌زار ساری»

(منوچهری، ۱۳۸۵: ۱۱۱)

هر چند دیوان منوچهری همانند دیوان هم عصرانش از دقت و انسجام تاریخی خاصی برخوردار نیست و به بعضی از روایات تاریخی او نمی‌توان اعتماد کرد، اما او نیز همانند شاعران معاصرش تحت تأثیر اوضاع اجتماعی عصر خود شعر سرود و همانند ممدوح خود دو روز منزل عمر را به شادی و نشاط گذراند و با سرودن اشعاری ناب اعتماد سلطان را به خود جلب کرد و هر روز بر جاه و جلال خود افزود.

#### ب - ۴) دیوان عسجدی

سخن‌سرای دیگری که می‌توان از دیوان او در این مختصر یاد کرد عسجدی مروزی است. اگرچه عسجدی از بزرگان شعر و ادب در عصر غزنویان بوده است اما از دیوان او کمتر از چهارصد بیت پراکنده به دست ما رسیده است، که از نظر تاریخی ارزش چندانی ندارد. نگارنده توانسته است به اطلاعاتی در مورد شخصیت بونصرمشکان و چند بیتی درباره‌ی فتح خوارزم در این دیوان دست یابد.

#### ج) تطبیق تاریخ بیهقی با دیوانها

شاعران شیرین گفتاری چون فرخی، عنصری و منوچهری با بهره‌گیری از الفاظی فصیح و روان در مدح امرای غزنوی قصاید بسیار سرودند، آنان «هیچ‌گاه در قصاید خود از بیان وقایع تاریخی و شرح اخلاق و احوال و کارهای بزرگ ممدوحان دریغ نکرده و بنیان قصاید را تنها بر مدح ممدوح و اغراق‌های شاعرانه استوار نساخته‌اند» (فلسفی، ۱۳۴۲: ۲۳)، به همین دلیل در روشنگری تاریخ غزنویان از این دیوان‌ها می‌توان بهره‌ی بسیار گرفت و به اخلاق و صفات ممدوحان پی‌برد. با تطبیق تاریخ بیهقی با دیوان‌ها درمی‌یابیم که بیهقی در توصیف ویژگی‌های پادشاهان و درباریان به آنان فرصت می‌دهد تا حقیقت شخصیت خود را نشان دهند و برای تمام ویژگی‌های آنان - پسندیده یا ناپسند - شواهدی می‌آورد، بنابراین خواننده‌ی هوشیار درمی‌یابد این موارد درست است یا نادرست؛ و نظر او درباره‌ی برخی از مشاهیر زمانه‌اش خالی از تعصب نیست (بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

اما شاعران به دلایل مادی و حفظ هنر خویش ناگزیر با مضامینی کلیشه‌ای صاحبان قدرت را بسیار ستوده‌اند. مضامینی که در این ستایش‌ها دیده می‌شود همان چیزی است که ممدوح از شاعر توقع دارد البته این نکته را نباید نادیده گرفت که شاعران برای هر ممدوحی صفاتی را بیان می‌کردند که با سیرت و رفتار آنان سازگار باشد. شاعران گاهی صفات ناپسند ممدوحان را جزء محامد آنان می‌شمردند و به ستایش آن می‌پرداختند، در این راستا تنها خواننده‌ی دقیق و تیزبین می‌تواند از شعر ستایشی در دست‌یابی به ویژگی‌های ناشایست و نامطبوع سلاطین و بزرگان غزنوی بهره‌گیری کند.

بیهقی سعی می‌کند به پیروی از سنت اسلامی، پادشاهان را شخصیت‌هایی ایده‌آل معرفی کند و با بیان داستان‌هایی نشان می‌دهد که پادشاهان و پیامبران به هم شبیه هستند و آنان را گماشته‌ی حق می‌شمرد و اطاعت از آنها را بر مسلمانان واجب می‌داند (بیهقی، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

شاعران در این زمینه پا فراتر می‌نهند و تلاش می‌کنند با نسبت دادن معجزات و کرامات به پادشاهان غزنوی و مقایسه‌ی جنگ‌های آنان را با غزوات پیامبر (ص) (منوچهری، ۱۳۸۵: ۷۱)، به آنان شخصیتی عرفانی و نیمه‌خدایی ببخشند (عنصری ۱۳۶۳: ۱۴۰).

در بیان حوادث و اوضاع زمان «بیهقی روایت‌گری است که در بازنمودن اسباب بزرگی یک سلسله، رویدادهای سیاسی - نظامی و دیپلماتیک دوران خود را از سالی به سال دیگر پی می‌گیرد» (والدمن، ۱۳۷۵: ۲۱۱)، او روزنامه‌نگاری است که تاریخ مسعود را روزانه ورق می‌زند و